



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

Volume 3, Issue 4, 2025

Contractualization of Criminal Law in the Mirror of the International Criminal Court

Maryam Nankali¹

1. Ph.D, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 141-159

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: +980000000000

Email: nankali1367@gmail.com

Article history:

Received: 26 May 2025

Revised: 01 Aug 2025

Accepted: 05 Sep 2025

Published online: 22 Dec 2025

Keywords:

Plea Bargaining, Offender, International Crime, International Criminal Court.

ABSTRACT

The Contractualization of Criminal Law in the Mirror of the International Criminal Court. The agreement between judge and offender, based on theory of contractualization of criminal law, is considered a new strategy. The positive effects of this institution have led domestic legislators to benefit from contractualized criminal law in their criminal policy. However, the promotion of this strategy in international courts is not agreed upon by scholars. The main issue of research is to find an answer to the question of what is the position of mentioned strategy in the trials of the ICC. The research findings indicate that these solutions are considered legitimate only if they do not contradict the goals of the ICC trials, such as retribution, deterrence, truth-telling, and combating impunity; consequently, solutions that bypass prosecution and punishment are considered illegitimate. Plea bargaining, I Statute and the Rules of Procedure and Evidence, and the verbal or actual agreement of the offender plays a central role in them. Of course, it should also be noted that the ICC is limited in accepting and implementing this strategy, and these obstacles have led to the offender's will playing a minor role in determining the fate of the case. In other words, the mentioned cases are minimal capacities that are embedded in the law and practice of the I CC even in these few cases, there is no binding aspect.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Nankali, M (2025). "Contractualization of Criminal Law in the Mirror of the International Criminal Court". *Journal of International Criminal Law*, 3(4): 141-159.



انجمن علمی فقه برای تطبیق ایران

فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

قراردادی شدن حقوق کیفری در آینه دیوان کیفری بین المللی

مریم نانکلی* ۱

۱. دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

توافق میان قاضی و بزهکار، مبتنی بر نظریه قراردادی شدن حقوق کیفری، راهبردی است که به دلیل آثار مثبتی که دارد، مورد توجه قانون‌گذاران داخلی قرار گرفته و در سیاست جنایی کشورهای مختلف قابل مشاهده است، اما ترویج این راهبرد در محاکم بین‌المللی مورد اتفاق نظر اندیشمندان نیست. مسأله اصلی این پژوهش دریافت پاسخ این سؤال است که جایگاه راهبرد یادشده در محاکمات دیوان کیفری بین‌المللی چگونه است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که این راهکارها تنها در آن صورت مشروع تلقی می‌شوند که با اهداف محاکمات دیوان کیفری بین‌المللی نظیر سزاگرایی، بازدارندگی، بیان حقیقت و مبارزه با بی‌کیفرمانی تناقضی نداشته باشد، در نتیجه راهکارهای کنارگذار تعقیب و مجازات فاقد مشروعیت تلقی می‌شوند. معامله اتهام، آزادی مشروط فرد تحت بازداشت، تخفیف مجازات ناشی از همکاری، تعیین محل اجرای حکم و آزادی پیش از موعد از جلوه‌های حقوق کیفری قراردادی شده هستند که در اساسنامه و مقررات آیین دادرسی و ادله به رسمیت شناخته شده و توافق قوی یا فعلی بزهکار در آن نقش محوری دارد، البته این نکته را نیز باید در نظر داشت که دیوان کیفری بین‌المللی در پذیرش و اجرای این راهبرد دچار محدودیت است و این موانع منجر به آن شده است که اراده بزهکار در تعیین سرنوشت پرونده کم‌رنگ باشد. به دیگر سخن موارد یادشده به مثابه ظرفیت‌هایی حداقلی هستند که در قانون و رویه دیوان کیفری بین‌المللی تعبیه شده و در همین موارد محدود نیز جنبه الزام‌آور وجود ندارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۴۱-۱۵۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:

تلفن: +۹۸۰.....

ایمیل: nankali1367@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

معامله اتهام، بزهکار، جرم بین‌المللی،

دیوان کیفری بین‌المللی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

قراردادی‌شدن حقوق کیفری که ناظر به فرایند توافق میان مقام قضایی (دادستان یا قاضی) و بزهکار است، دلالت بر آن دارد که قاضی و بزهکار درخصوص تعیین سرنوشت دعوای کیفری دست به توافق می‌زنند و درخصوص ادامه یا توقف تعقیب و نوع و میزان مجازات، قاضی تصمیم نهایی را اتخاذ می‌کند (نیازپور، ۱۳۹۲: ۳۸-۳۵).

باتوجه به ترویج استفاده از این راهکار، این سؤال ایجاد می‌شود که آیا بهره‌مندی از این روش تنها در حقوق داخلی کشورها صورت می‌پذیرد؟ به دیگر سخن به کار بستن راهبردهای جدید حقوق کیفری در عرصه محاکم کیفری بین‌المللی و نهاد دائمی دیوان کیفری بین‌المللی به چه ترتیب خواهد بود. مسأله اصلی این پژوهش تبیین جایگاه راهکار یادشده در دیوان بین‌المللی کیفری است. ایده تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی (از این پس دیوان) مبتنی بر تأسیس نهاد مستقل و دائمی است که با حکومت اصل تفکیک قوا به تعقیب و تحقیق جرایم بین‌المللی بپردازد. این نهاد، نهادی مستقل است که به قدرت‌های سیاسی وابستگی ندارد و با معاهده بین دولت‌ها به وجود آمده تا صلاحیت تکمیلی جهانی خویش را اعمال نماید. اهداف متفاوت در کیفردهی به جرایم بین‌المللی و شدت عمل نسبت به این مجرمان، سودمندی استفاده از راهکارهای حقوق کیفری قراردادی‌شده را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. پذیرش یا عدم پذیرش این راهکارها باتوجه به اهداف حاکم بر محاکمات دیوان مشخص می‌شود و طبیعت ویژه این جنایات چالش‌های پذیرش حقوق کیفری قراردادی‌شده را روشن می‌سازد.

پژوهش پیش رو بنیادی و توصیفی - تحلیلی است و ارزیابی داده‌های حاصل از جمع‌آوری کتابخانه‌ای مطالب در حوزه حقوق کیفری بین‌المللی سبب کشف و ارائه حقایقی می‌شود که جایگاه حقوق کیفری قراردادی‌شده در دیوان را تبیین می‌کند.

در زمینه قراردادی‌شدن حقوق کیفری و به رسمیت‌شناختن توافق میان قاضی و بزهکار، آثار معدودی همچون توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری (نیازپور، ۱۳۹۲) و مقالاتی، از قبیل پدیده

قراردادی‌سازی آیین دادرسی کیفری (بوریکان، ۱۳۸۶)، قراردادی‌کردن حقوق کیفری؛ افسانه یا واقعیت (آلت مئس، ۱۳۸۵) و نیز از حقوق کیفری تا حقوق کیفری قراردادی‌شده (نیازپور، ۱۳۹۰) تألیف شده است. یافتن راهکارهای قراردادی‌شدن حقوق کیفری در حوزه حقوق کیفری بین‌المللی، موضوعی جدید است که تاکنون بدان پرداخته نشده و تنها در مبحث معامله اتهامی - که یکی از راهکارهای حقوق کیفری قراردادی‌شده است - پژوهش‌هایی در ایران و سایر کشورها صورت پذیرفته است.

راقم این سطور درصدد آن است که از رهگذر اشاره به ماهیت ویژه جنایات بین‌المللی و مآلاً بزهکار و بزه‌دیده این جرایم، بسترهای پذیرش راهبرد قراردادی‌شدن حقوق کیفری در دیوان را مورد توجه قرار دهد و پس از تبیین چالش‌های آن، جلوه‌های راهبرد یادشده در مقررات و رویه دیوان را معرفی نماید.

۱- حقوق کیفری قراردادی‌شده در بستر اهداف محاکمات کیفری بین‌المللی

بحث و بررسی درخصوص پذیرش یا عدم پذیرش راهبرد یادشده مبتنی بر شناسایی الگوی حاکم بر سیاست جنایی است. تشخیص الگوی حاکم بر سیاست جنایی داخلی کشورها امر دشواری نیست، اما تعیین یک الگوی واحد درخصوص دیوان امکان‌پذیر نیست و مبنای تشکیل دیوان و اختیارات آن در چهارچوب چندین نظریه توجیه شده است. دیوان ملزم به رعایت اصول و قواعدی است که مبتنی بر طبع جنایات بین‌المللی و مقید به اهداف محاکمات کیفری بین‌المللی و متعاقباً مجازات‌های بین‌المللی است، در نتیجه می‌توان گفت که پذیرش یا عدم پذیرش توافق میان قاضی دیوان و بزهکار بین‌المللی در گرو شناخت اهداف رسیدگی بدان است.

۱- نظام نئولیبرالیسم نهادی که با تمرکز بر دولت‌ها و منافع آن، الگوی رژیم‌های سازمانی که بر مشارکت عناصر دولتی و غیردولتی تمرکز می‌کنند و شکل‌گیری دیوان را متأثر از آموزه‌هایی، چون اطلاعات، قدرت و منافع می‌دانند و نیز تئوری حکومت جهانی که نقطه تمرکز خود را بر مفهوم اختیار و قدرت جهانی مبتنا می‌کنند؛ هیچ‌یک نمی‌توانند به‌تنهایی توصیف‌گر مبنای تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی و تداوم فعالیت‌هایش باشند، بدین ترتیب این نظریات در انضمام یکدیگر به توصیف مبنا می‌پردازند (Leonard, 2001: 329-337).

۱-۱- سزاگرایی

اگرچه اسناد ایجادکننده محاکم کیفری بین‌المللی درخصوص اهداف مجازات و کارکردهای آن تصریحی ندارند، اما بررسی فعالیت‌های مقدماتی و مذاکرات در تهیه اعلامیه‌ها ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که سزاگرایی جایگاهی مهم در کیفردهی به مجرمان جنایات بین‌المللی دارد (رضوی‌فرد، ۱۳۸۷: ۳۷۶).

با وقوع جنگ جهانی دوم، دیدگاه سزاگرایی اهمیتی بی‌بدیل یافته است. آموزه چشم در برابر چشم و تمرکز بر دستگیری، محاکمه و مجازات مجرم دیدگاه انتقام‌گرایی را تقویت می‌کند (Schiff, 2008: 31)، اما محاکم کیفری بین‌المللی به دنبال آن هستند که با برقراری توازن اخلاقی میان جرم ارتكابی و کیفر به دنبال ارائه کارکرد سزاهدنگی باشند. به دیگر سخن، سزادهی بیش از آن که به دنبال انتقام باشد، در معنای تنبیه یا کیفر منعکس‌کننده مجرمیت اخلاقی بزهکار است (رضوی‌فرد، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۳).

در نتیجه محاکمات کیفری باید آنچنان باشد که متضمن محکومیت فرد گناهکار باشد. این محکومیت به واسطه تنبیه ابراز می‌شود و مجازات ابزار مناسبی برای بیان این مطلب است که رفتار مرتکب اشتباه بوده و این پیام را به همه مخاطبان القا می‌کند. وقتی مجازات تنها ابزار معاهده‌ای برای انتقال محکومیت شدید اجتماعی تلقی شود، تنبیه‌نکردن رفتاری خطا به‌شمار می‌رود (Golash, 2010: 219-220).

به هر ترتیب سازمان‌های حقوق بشری نسبت به آن دسته از الگوهای عدالت کیفری که از سزاگرایی فاصله می‌گیرند، تردید دارند، زیرا منجر به نقض استانداردهای محاکمه و مصونیت بزهکاران می‌شود (Schiff, 2008: 34). درنهایت می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که راهکارهای حقوق کیفری قراردادی شده درخصوص جرایم تحت صلاحیت دیوان تا این اندازه به رسمیت شناخته می‌شوند که منجر به نقض هدف سزاگرایی نشود.

باوجود تمام تردیدهایی که درخصوص کارآمدی مجازات وجود دارد، به‌کارستن راهکارهای حقوق کیفری قراردادی شده که

متضمن حذف مجازات هستند، غیرممکن است، زیرا عفوکردن و نادیده‌گرفتن جرایم ارتكابی و تعلیق عدالت کیفری بنا به مصلحت و فایده‌گرایی صورت می‌گیرد و اگرچه توجیهات اخلاقی بر آن یافت می‌شود (بیشترین میزان شادی برای بیشترین افراد)، اما با اندیشه اخلاقی لزوم اعمال مجازات و تنبیه بر خطاکار تناقض دارد (Riley, 2012: 44)، لیکن این نکته را نیز باید در نظر داشت که دیدگاه مدرن سزاگرایی از این اندیشه حمایت می‌کند که جرم، جامعه و حقوق در ارتباط با یکدیگرند و ضمانت‌اجراهای کیفری، تعادل از دست‌رفته ناشی از جرم را به جامعه بازمی‌گردانند. بر این اساس جرم تعدی به حقوق جامعه تلقی می‌شود. اگر مجازات انتخابی متناسب باشد، مرتکب منافع به‌دست‌آمده از جرم را از دست می‌دهد (Schiff, 2008: 32). به‌نظر می‌رسد که برخی راهکارهای قراردادی شدن حقوق کیفری که متضمن حذف و اعطای مصونیت به بزهکاران نیست، محل مناسبی برای بازیابی تعادل از دست‌رفته می‌باشد، مانند آن که بزهکاری از رهگذر توافق با مرجع قضایی با اظهار ندامت و پشیمانی مسؤولیت رفتار خویش را بپذیرد و درصدد جبران خسارت برآید.

۱-۲- بازدارندگی

همکاری جهت پیشگیری و بازدارندگی از جرم از اهداف دیوان است که در مقدمه نیز بدان اشاره شده است. ناتوان‌سازی بزهکار از طریق حبس، کاهش ضریب احتمال انتقام بزه‌دیده از طریق اعمال مجازات بر بزهکار و همچنین پیشگیری از جرایم آتی از جلوه‌های بازدارندگی هستند. براساس این تئوری هیچ فرد عاقلی مبادرت به ارتکاب جرم نمی‌کند، در صورتی که هزینه‌های ارتکاب جرم از منافع آن بیشتر باشد، صلاحیت گسترده دیوان و تسری اختیار رسیدگی به جرایم غیرعضو منجر به آن شده که دایره بازدارندگی نیز وسعت یابد، اما مشاهده وقوع برخی جرایم در کشورهایی چون سوریه، برمه و ترکمنستان و همچنین تداوم جرایم اوگاندا، سودان و لیبی که دیوان سابقاً به جرایم آن‌ها رسیدگی کرده بود، پرده از این حقیقت برمی‌دارد که دیوان نقش کم‌رنگی در بازدارندگی از جرم داشته است (Dietrich, 2014: 1-2).

این راهبرد درصدد کناره‌گذاری ضمانت‌اجراها نیست و تنها جنبه قهرآمیز آن را کمرنگ می‌کند، مضاف بر آن که در ارعاب‌انگیزی و عبرت‌آموزی تأثیر شگرفی دارد (نیازپور، ۱۳۹۲: ۱۲۳-۱۲۲).

در محاکمات کیفری بین‌المللی نیز بر بازدارندگی جمعی تأکید ویژه‌ای می‌شود و اندیشمندان معتقدند که هدف بازدارندگی به افراد پرونده اختصاص ندارد. وظیفه پیشگیرانه چیزی فراتر از بازدارندگی فردی است. بر این مبنا احضار مجرمان جنایات بین‌المللی در محضر دادگاه‌ها به کاهش خشونت یا ثبات بلند مدت در جوامع محل وقوع جرم کمک می‌کند (Francis & Francis: 2010: 60).

درحالی‌که برخی مجازات را به‌عنوان عاملی برای تکیه بر ارزش‌های مورد وفاق جامعه بین‌المللی و مکانیسمی برای پاسخگویی بعد از منازعات تلقی نموده و آن را واجد اثر بازدارندگی و در نتیجه غیر قابل حذف می‌دانند (Bassiouni, 1996: 26)، اما این اندیشه نیز وجود دارد که مجازات تنها عامل بازدارنده به‌شمار نمی‌آید و سازوکارهای غیر کیفری نظیر کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، برنامه‌های جبران خسارت و ... باوجود عدم استفاده از مجازات بازدارندگی و در نتیجه صلح و سازش را برای جامعه به ارمغان آورده‌اند (سبحانی، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

فعالان حقوق بشر، وکلای حوزه بین‌الملل حقوق کیفری و بسیاری از سردمداران جهانی بر این باورند که امکان عدم مجازات مجرمین جرایم بین‌المللی در اساسنامه رم پیش‌بینی نشده است. مبارزه با بی‌کیفرمانی این مهم را به ذهن متبادر می‌کند و تعقیب و مجازات برای بازدارندگی از ارتکاب چنین رفتارهایی برای تحقق صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است (Riley, 2012: 98)، در نتیجه حذف مجازات بزهکاران بین‌المللی امکان‌پذیر نیست و راهکارهای حقوق کیفری قراردادی‌شده که به حذف مجازات می‌انجامد، در دیوان فاقد مشروعیت است.

باید توجه داشت که توافق میان قاضی و بزهکار تنها در برخی موارد، مصونیت بزهکاران را در پی دارد، اما برخی از

تحقق کارکرد بازدارندگی منوط به رعایت اصول حتمیت، قطعیت و شدت در اعمال مجازات است. برخی اندیشمندان با تکیه بر استدلال‌های مختلف، تحقق این کارکرد در محاکمات دیوان را ممتنع می‌دانند. برخی با تکیه بر فقدان ویژگی‌های حتمیت و قطعیت، شدت و سرعت در محاکمات بین‌المللی امکان به وقوع پیوستن هدف بازدارندگی را منتفی می‌دانند (رحمانیان و پیری، ۱۳۹۲: ۳۲؛ جعفری، ۱۳۹۲: ۸۸-۸۷).

برخی دیگر معتقدند مشکلات نظریه بازدارندگی در جرایم بین‌المللی نه به شدت و قطعیت مجازات که بیشتر به انگیزه‌های عاملان جرایم ارتباط دارد. انسان عقلانی با ارزیابی منافع شخصی به جرم مبادرت می‌ورزد، درحالی‌که انگیزه شخصی در جرایم بین‌المللی وجود ندارد (سبحانی، ۱۳۹۳: ۱۳۸-۱۳۹) و بررسی تصمیم بزهکار در ارتکاب این جرایم گویای آن است که شرایط کنونی قابلیت آن را ندارد که منجر به بازدارندگی از جرایم بین‌المللی شود، زیرا این جانپان افراد معقولی هستند که از اعمال و فجایع خود آگاهند، اما آن را مشروع و شایسته قلمداد می‌نمایند (Buitelaar, 2016: 299).

در مقابل پژوهش‌ها و مطالعات موردی حاکی از آن است که تئوری بازدارندگی در عمل نیز پیاده می‌شود و افراد و دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. صرف نظر از اهداف ویژه فردی یا سیاسی مجرمان جنایات شدید بین‌المللی که بازدارندگی فردی را دچار اشکال می‌نماید، عملکرد دیوان نیز دارای محدودیت‌هایی است که برخاسته از سابقه کوتاه زمانی و شدت مسأله بوده است. حمایت کشورها از این صلاحیت در طول زمان عاملی برای بازدارندگی بیشتر به‌شمار می‌رود (Jo & Simmons, 2016: 469-470).

بدین ترتیب می‌توان چنین ادعا نمود که در حصول کارکرد بازدارندگی تردیدی نیست. حال ممکن است که برخی با نظر به کارکرد بازدارندگی مخالف ترویج حقوق کیفری قراردادی‌شده باشند، زیرا به رسمیت‌شناختن اراده متهم و تبادل امتیازات میان مقام قضایی و بزهکار، موجبی برای نقض حتمیت و قطعیت در مجازات‌ها به حساب می‌آید و در نتیجه غیرمشروع تلقی می‌شود، اما باید توجه داشت که اولاً

در مقابل برخی تا بدان جا پیش رفته‌اند که حتی اقرار به جرم در آیین دادرسی کیفری بین‌المللی را نهی می‌کنند، زیرا پس از اقرار به جرم تشخیص حقیقت قضایی و ارائه ادله متوقف می‌شود (زاپالا، ۱۳۹۲: ۹۳)، بدین ترتیب اگر حقوق کیفری قراردادی شده مانعی بر سر راه بیان حقیقت و ذکر جزئیات باشد، در محاکمات دیوان جایگاهی ندارد، مگر آن که پیش‌شرط الزامی‌بودن بیان حقیقت مفروض گرفته شود. آنچنان که بند ۴ ماده ۶۵ اساسنامه دیوان در راستای مصالح عدل گستری و به‌ویژه منافع بزه‌دیدگان و نیاز به ارائه حقایق کامل‌تر این اختیار را برای شعبه محاکمه بدوی به رسمیت شناخته است که حتی در فرض معامله اتهامی ادله بیشتری را طلب نماید یا دستور ادامه محاکمه به فرایند معمول رسیدگی را صادر کند و درحقیقت اعتراف به جرم را منتفی تلقی نماید.

۱-۴- دستیابی به صلح و عدالت جهانی

هرچند که مقدمه اساسنامه دیوان ارتکاب جنایت بین‌المللی را ناقض صلح امنیت و آسایش جهان معرفی می‌کند، اما برخی نیز بر این باورند که اصرار بر تعقیب‌های کیفری فقط منجر به ادامه درگیری بین طرف‌های خصمه خواهد شد (کرایر و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۷/۱). این گروه معتقدند که تلاش برای کشاندن گناهکاران به محضر دادگستری، رنجش‌های زیر خاکستر را شعله‌ور می‌کنند، هرچند که در مقابل برخی دیگر رسیدگی به جنایات از طریق محاکم بین‌المللی را موجهی برای صلح می‌دانند، زیرا از انتقام‌جویی شخصی افراد جلوگیری می‌کند (Francis & Francis: 2010: 59-60).

حال باید دید که معنای دقیق صلح و گستره آن چیست؟ بدون تردید لفظ صلح درخصوص پایان‌دادن به منازعات و انتقال قدرت به حکومت‌های غیرستمگر است. روش دستیابی به صلح نیز باتوجه به نوع منازعه، افراد آن، سطح آسیب‌ها منطقه و ... تعیین می‌شود. صلح و عدالت دو مفهومی هستند که در میان افراد مختلف به‌نحو متفاوتی تعبیر و تفسیر می‌شوند. اگر صلح به معنای مداخلاتی باشد که پس از ایجاد منازعه به‌وجود می‌آید، پس باید دید که عدالت چیست و چه هدفی دارد؟ (Bassiouni, 1996: 12-13).

مصادیق این راهبرد، متضمن حذف و کنارگذاشتن مجازات نیست. پذیرش یا عدم پذیرش این راهکارها منوط به آن است که به اهداف رسیدگی دیوان و ازجمله بازدارندگی لطمه‌ای وارد نشود، بدین ترتیب نه‌تنها هدف بازدارندگی مورد نقض و رد قرار نمی‌گیرد که امکانات مرجع قضایی در اعمال هدف بازدارندگی توسعه می‌یابد، زیرا این روش مبتنی‌بر کسب دیدگاه‌ها و نظریات بزهکاران بوده، درنتیجه بینش ارزشمندی را به‌دست می‌دهد که امکان پیشگیری از جرایم را فراهم می‌سازد؛ آنچنان که درخصوص معامله اتهامی در برخی پژوهش‌ها بدان اشاره شده است (Karen, 2016: 53).

۱-۳- بیان حقیقت

برخی بر این باورند که توجیه مجازات در حقوق داخلی و بین‌المللی متفاوت است یا آن که باید لاقلاً متفاوت تفسیر شود، زیرا جرایم حقوق کیفری بین‌المللی اغلب کلان هستند و برخی اهداف حقوق بین‌الملل کیفری مبتنی‌بر مواردی است که در حقوق داخلی بدیهی شمرده می‌شود. بیان تاریخ یک مخاصمه ازجمله این موارد است (کرایر و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۸/۱). پرداختن به جزئیات رفتار خشونت‌آمیز و حتی پیش‌زمینه‌های آن، ازجمله اهداف مهم رسیدگی‌های بین‌المللی است (Golash, 2010: 218).

به‌کارستن حقوق کیفری قراردادی شده این احتمال را در پی دارد که کارکرد بیان حقیقت محقق نشود. ذکر این نکته در بدو امر لازم است که برخی کارکرد بیان حقیقت را دچار خدشه می‌دانند و بر این اندیشه‌اند که محاکمات کیفری همیشه بهترین مکان برای ثبت تاریخ نیست، زیرا فهم و تفسیر وقایع مختلف که در امتداد هم به وقوع پیوسته و رنگ و بوی سیاسی دارد، از طریق ابزارهای متعارف حقوق کیفری قابل فهم و تفسیر نیست، به‌علاوه آن که به‌کارستن این راهبرد مانعی بر سر راه کشف حقیقت و بیان جزئیات نیست، آنچنان که در برخی از محاکمات کیفری فرایند معامله اتهامی به‌عنوان تسهیل‌گر کشف حقیقت معرفی می‌شود، لیکن در برخی دیگر این تردید وجود دارد که امکان روایت کامل بدون محاکمه کامل مهیا نمی‌شود (Francis & Francis, 2010: 75).

دولت‌ها مصالحه در عدالت کیفری را رواج دهد (Bassiouni, 2003: 204).

گروه دیگر نیز صلح و امنیت را اصل اول پنداشته و از هر روشی که منجر به تحقق صلح می‌شود، استقبال می‌کنند، حتی اگر برابر با بی‌کیفرماندن مجرم و اعطای عفو و مصونیت به او باشد. این گروه تا بدان‌جا به عقیده خود پایبندند که از محاکمه در دیوان با تعبیر بدتر از جنگ یاد می‌کنند، زیرا جنگ اتهام و جرم‌زایی صلح را به جهنم تبدیل می‌کند (Köchler, 2003: 61).

بر این اساس قراردادی‌شدن حقوق کیفری نیز راهکار مناسبی برای نیل به سازش در جوامع تلقی می‌شود، اما مسلم آن است که وظیفه اصلی دیوان دستیابی به عدالت است. با این وجود اجرای عدالت به هر قیمتی مقصود نیست و منفعت عدالت (بند «ج» ماده ۵۳ اساسنامه دیوان) اقتضا می‌کند که گاهی عدم اجرا یا تأخیر در اجرا ارجحیت یافته و عدالت به تعویق افتد (رهگشا، ۱۳۹۳: ۲۹۷).

وجود ماده ۱۶ اساسنامه رم نقطه تلاقی مفاهیم صلح و عدالت است، چه این‌که این امکان را در نظر می‌گیرد که مصلحت‌اندیشی شورای امنیت بر اقامه بی‌قید و شرط عدالت تقدم یابد. برخی این تقابل را استثنا دانسته و این ماده را جدایی موقت میان صلح و عدالت در نظر می‌گیرند آن هم در شرایط استثنایی که به‌وجودآورنده تهدید یا نقض صلح باشد (کریر و دی‌وایت، ۱۳۸۴: ۸۹-۸۸).

در هر صورت در جامعه جهانی‌شده کنونی حذف عدالت از نظام کیفری بین‌المللی ممکن نیست و تأسیس دیوان گامی مهم در راستای تحقق عدالت کیفری می‌باشد، البته باید در نظر داشت که دیوان از بی‌عدالتی جلوگیری نمی‌کند و تنها این زمینه را به‌وجود می‌آورد که هر فرد در قبال رفتارهای پاسخگو باشد. دیوان با ایجاد زمینه مشارکتی سازنده و مداوم امکان تحقق اهداف مذکور را فراهم می‌کند (Bassiouni, 2003: 204).

اگرچه برخی بر این باورند که دیوان ابزاری برای دستیابی به عدالت و مانعی در راه تحقق صلح است، اما بررسی بیشتر ما

آیا عدالت با رویکرد تنبیهی قرابت دارد و در نتیجه دستگیری، اتهام و تعقیب و محکومیت عادلانه تلقی می‌شود. این رویکرد عدالت را در منظر افراد قربانی و خانواده ایشان در نظر می‌گیرد. برخی بر این باورند که عدالت چیزی بیش از سزاگرایی است و تأمین عدالت پس از جنگ برای جامعه گسترده‌تر نیز مطمح نظر است (Riley, 2012: 36).

اوصاف ویژه نزاع بین‌المللی مقتضای آن را فراهم می‌آورد که عدالت در این جوامع اوصاف منحصربه‌فردی بیابد. عدالت در مفهوم اعمال مجازات خلاصه نمی‌شود و محبوس کردن عدالت با مفاهیمی چون تعقیب، مجازات خلاصه نمی‌شود. قربانیان جرم به بیان حقایق نیاز دارند و این نیاز تأمین‌کننده هدف بیان گزارش و سابقه تاریخی درخصوص جرم است. بیان حقیقت جایگزین ضعیفی نیست و گامی مهم در این جوامع به‌حساب می‌آید (Mendez, 1996)، البته مشروط بر آن‌که با مانعی به‌نام سیاست روبه‌رو نشود، زیرا سیاستمداران تمایل به آن دارند که جهت دستیابی به صلح و اجتناب از اختلاف بیشتر خطاها را نادیده بگیرند. عدالت کیفری بین‌المللی به ائتلافی جهانی نیاز دارد که توسط محاکم ملی و بین‌المللی و به‌صورت تکمیلی اعمال می‌شود (Bassiouni, 2006: 558-559).

این نکته چالش‌برانگیز همواره ذهن اندیشمندان را به خود مشغول داشته است که در تناقض میان حفظ صلح و عدالت کدام ارزش تقدم می‌یابد. برخی در این میان جانب عدالت را گرفته و تحقق عدالت را بر ترویج صلح و سازش مقدم می‌دارند (Meernik, 2013: 169).

برخی دیگر معتقدند ارائه مفهومی از عدالت از طریق تعقیب جنایات بین‌المللی منجر به تسهیل همگرایی اجتماعی شده و پیش‌شرط‌های یک صلح پایدار را فراهم می‌سازد (کرایر و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۵/۱). هیچ صلحی بدون عدالت تحقق نمی‌یابد و عدالت نیز بدون حقیقت حاصل نمی‌شود. این اهداف باید به‌نحو شایسته‌ای با یکدیگر ترکیب شوند تا از بدبینی علیه نظام عدالت کیفری بین‌المللی اجتناب شود و از دفاعیاتی اجتناب شود که بنا به ملاحظات سیاسی و عملی

ادله این مهم را به ذهن متبادر می‌کند که احیای نظم عمومی جهانی از رهگذر کیفر بزهکاران کارکرد اصلی دیوان است، اما جبران خسارت بزه‌دیدگان نیز جنبه ثانوی دارد و جنبه‌هایی از عدالت ترمیمی نیز در آن یافت می‌شود (غلامی و رستمی غازانی، ۱۳۹۲: ۵۴).

ترمیم و جبران خسارات ناشی از جرم در اساسنامه دیوان مورد توجه قرار گرفته است، هرچند بررسی رویه عملی دیوان ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که بزه‌دیده کماکان محجور است، اما دیوان در نوع خود پیشرفت‌های بی‌نظیری را در این عرصه داشته، آنچنان که مشارکت بزه‌دیده در فرایند رسیدگی (ولو به صورت غیرمستقیم) در بند سوم ماده ۱۵ اساسنامه مورد تصریح قرار گرفته و ماده ۷۵ اساسنامه نیز به جبران خسارت و ترمیم، استرداد، غرامت یا اعاده وضع به حالت سابق توجه داشته است. قواعد ۹۴ تا ۹۹ آیین دادرسی و ادله نیز به ترمیم خسارات وارده به نفع بزه‌دیدگان اختصاص یافته است (رضوی فرد، ۱۳۹۰).

پیش‌بینی امکان تخصیص جزای نقدی در راستای جبران خسارت بزه‌دیدگان مصرح در بند ۲ ماده ۷۹ اساسنامه، روشی برای تعدیل ماهیت کیفرهای سنتی به کیفر ترمیمی است که با اعطای اختیارات لازم به مقام قضایی انجام می‌شود (غلامی و رستمی غازانی، ۱۳۹۲: ۵۲).

حال سؤال آن است که آیا بهره‌مند شدن از حقوق کیفری قراردادی شده، رویکرد ترمیم و جبران خسارت بزه‌دیده را تقویت نموده یا تضعیف خواهد کرد؟ به نظر می‌رسد که ترویج راهکارهای مبتنی بر توافق قاضی و بزهکار، حمایت از بزه‌دیده را بهبود می‌بخشد، چه این که یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که چانه‌زنی قضایی فرصتی را برای پذیرش مسؤلیت رفتار و اظهار ندامت فراهم می‌سازد. پذیرش اتهام کارآمدی بیشتری را نسبت به اثبات اتهام دارد و حتی زمینه عدالت ترمیمی و پاسخگویی به نیازهای بزه‌دیده را فراهم می‌سازد (Francis & Francis: 2010: 59-60). این پرسش همواره وجود دارد که آیا دادگاه مکان مناسبی برای اصلاح و ابراز پشیمانی است؟ این اقدام منجر به بازیابی تعادل خواهد شد؟ این احتمال نیز همواره وجود دارد که بزهکار تنها به انگیزه

را به این نکته رهنمون می‌سازد که دیوان تهدیدی علیه صلح به‌شمار نمی‌آید و این موضوع باید مد نظر باشد که از چه طریقی می‌توان عادلانه‌ترین راهکارها را یافت، درحالی که به صلح جهانی نزدیک‌تر باشد و بازسازی، توان‌بخشی و پیشرفت و توسعه بیشتر در جوامع را به دنبال داشته باشد (Clark, 2011: 545). حقوق کیفری قراردادی شده این ظرفیت را ایجاد می‌کند که عادلانه‌ترین و صلح‌آمیزترین راهکارها گزینش شود.

همان‌طور که پیش از این نیز ذکر شد، قراردادی کردن به معنای آن است که از رهگذر توافق راه حل عادلانه انتخاب شود. در این فرایند اراده متهم مبنی بر تصاحب عدالت و چگونگی دادرسی به رسمیت شناخته می‌شود (آلت مئس، ۱۳۸۵: ۱۶۶). ماهیت ویژه این راهبرد این امکان را در اختیار مقام قضایی قرار می‌دهد که از فرصت به‌دست‌آمده برای ترویج صلح و سازش در جامعه بین‌المللی بهره‌مند شود. آنچنان که در برخی پژوهش‌ها از دادوستد اتهام به‌عنوان موجبی برای افزایش صلح و سازگاری در جوامع یاد می‌شود، زیرا مبتنی بر پذیرش مسؤلیت و اعتراف به گناه است، البته این گزاره به شرایط و اوضاع و احوال جرم نیز بستگی دارد و نمی‌توان با عنوان یک گزاره کلی از آن یاد نمود (Rauxloh, 2011).

در نتیجه قلمرو پذیرش حقوق کیفری قراردادی شده در رسیدگی‌های دیوان محصور به رعایت عدالت است، اگرچه که اساسنامه رم به صراحت از این هدف یاد نکرده است، اما به نظر می‌رسد که آن را مفروض پنداشته است، به علاوه آن که، مبارزه با بی‌کیفرمانی که در متن مقدمه بدان اشاره شده است، تعبیر دیگری از همین مفهوم است، پس آن دسته از راهکارها مورد پذیرش قرار می‌گیرند که متضمن حذف و کنارگذاری تعقیب و کیفر نباشند و در عین حال عادلانه تلقی شوند.

۵-۱- ترمیم خسارات بزه‌دیده

بدیج‌بودن حقوق کیفری بین‌المللی، شدت جرایم و گستردگی بزه‌دیدگان اقتضای آن را دارد که کارکرد ترمیمی کیفر ضروری تلقی شود. بررسی اساسنامه دیوان و قواعد دادرسی و

با این وجود به نظر می‌رسد که به‌کار بستن این راهبرد با طبع جنایات بین‌المللی تناسب نداشته و دچار چالش‌هایی باشد. آنچه در ادامه می‌آید، بیانی در باب این چالش‌های احتمالی است.

۱-۲- مغایرت با شدت جرایم بین‌المللی

جرایم تعقیب‌شده توسط دیوان اقدامات شدید و خشونت‌آمیزی است که توسط گروه‌هایی ارتکاب یافته که به‌ویژه زیر نظر دیکتاتور ارائه می‌شوند (Golash, 2010: 210). شدت جرایم بین‌المللی، گستردگی حوزه آن‌ها و تعداد زیاد قربانیان این نتیجه را در پی دارد که رویکرد سرکوبگرانه در حوزه حقوق کیفری بین‌الملل پررنگ باشد (رضوی‌فرد، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

اندیشه قراردادی کردن حقوق کیفری با ویژگی الزام‌آور بودن و سرکوبگری آن، تناقض دارد. قراردادی کردن به‌معنای آن است که برای یک دعوا از رهگذر توافق راه حل عادلانه انتخاب شود. این مهم در گرو آزادی اراده طرفین و تساوی آن‌هاست. در این فرایند اراده متهم مبنی بر تصاحب عدالت و چگونگی دادرسی به رسمیت شناخته می‌شود (آلت مئس، ۱۳۸۵: ۱۶۶)، درحقیقت اراده ناقض هنجارهای تقنینی و آسیب‌رسان با اراده نماینده حاکمیت در فرایند تعیین سرنوشت کیفری برابر دانسته می‌شود (نیازپور، ۱۳۹۰: ۶۵).

حقوق داخلی کیفری بسیاری از کشورها این اصل را انعکاس داده است که هر اندازه شدت جرم بیشتر باشد، امکان گفتگو و مذاکره با بزهکار تضعیف می‌شود (Petrig, 2008: 16-17). پذیرش چانه‌زنی قضایی در جرایم حوزه حقوق کیفری بین‌المللی (به‌عنوان یکی از مصادیق واضح حقوق کیفری قراردادی‌شده) همواره مورد انتقاد گرفته از آن جهت که معامله اتهامی و تخفیف مجازات ناشی از آن، تقصیر و شدت اخلاقی این جرایم را منعکس نمی‌کند، اما باید توجه داشت که در هر حال مرتکب مجازات مناسب خود را از محکمه دریافت نمی‌کند و معامله اتهامی از موارد اجباری تخفیف نیست، به‌علاوه آن‌که در بیشتر نظام‌های داخلی همکاری و پذیرش اتهام از کیفیات مخففه به حساب می‌آید و هیچ متن معاهده‌ای دال بر آن یافت نمی‌شود که اصول پذیرفته‌شده در

کمترین میزان مجازات به پذیرش اتهام خود مبادرت ورزیده باشد، همان‌گونه که پشیمان‌بودن بزهکار و تمایل نسبت به دریافت مجازات جهت بازپایی تعادل در جامعه نیز کاملاً منتفی نخواهد بود (Karen, 2016: 47-48). به هر ترتیب تعامل میان قاضی و مجرم از رهگذر عدالت توافقی در رسیدگی به اتهام، تعیین مجازات و اجرای حکم، یکی از راه‌های مؤثر برای جبران خسارات بزه‌دیده است (شامبیاتی و پروینی، ۱۳۹۴: ۱۳۹).

حمل رویکرد ترمیمی به نهاد چانه‌زنی قضایی متضمن آن است که جبران خسارت و اعاده وضع به حالت سابق صورت پذیرد و درنهایت مجازات اجرا شود، بدین ترتیب بزه‌دیده نیز منتفع می‌شود (غنی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴). برخی اقدامات کمیسیون‌های حقیقت‌یاب را موجبی برای تقویت تأثیر ترمیمی این فرایند معرفی می‌کنند (Riley, 2012: 131). ایشان معتقدندگاهی باید در راستای صلح و امنیت ملی و بین‌المللی و تحقق اهداف عدالت انتقالی تنها تحت شرایط خاص و در موارد استثنایی اعطای عفو به مجرمان بین‌المللی از طریق کمیسیون‌های حقیقت‌یاب را به رسمیت شناخت و این عفو سازوکاری برای فراموشی گذشته، کاهش حس انتقام و آینده‌ای توأم با صلح، آرامش و آشتی ملی در جوامع انتقالی است و این‌گونه منافع عدالت به‌معنای موسع آن تأمین می‌شود، به‌جای آن‌که کیفر و سزادهی صرف اکتفا شود. استفاده از فرایند عفو در دیوان به رسمیت شناخته نشده است، اما تنها می‌توان از منظر قاعده منع محاکمه مجدد و ورای محدودیت‌های ماده ۲۰ اساسنامه رم، با استناد به قسمت «ج» از بند ۱ ماده ۵۳ اساسنامه دایره تصمیمات دیوان را در رویارویی با این عفوها گسترش داد (زحمتکش و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۱).

۲- چالش‌های فراروی قراردادی‌شدن حقوق کیفری در دیوان

بیان کارکردهای محاکمات دیوان و مقایسه آن با ظرفیت حقوق کیفری قراردادی‌شده پرده از این حقیقت برداشت که وجوه خاصی از این راهبرد در رسیدگی‌های دیوان مشروع تلقی می‌شود. به دیگر سخن اهداف و اصول حاکم بر این محاکمات دایره حقوق کیفری قراردادی‌شده را مضیق می‌کند.

ارائه شده قابلیت اثبات این جرم را ندارند نه این که این اتفاق واقع نشده باشد (Karen, 2016: 44-47)، بدین ترتیب می‌توان از حقوق کیفری قراردادی شده به‌عنوان تسهیل‌گر محاکمات کیفری بین‌المللی نام برد.

۲-۲- اعطای امتیازات بلا وجه به بزهکار

تعداد بزهکاران اتفاقی در حیطه جرایم بین‌المللی نسبتاً کم است، مرتکبین این جرایم اغلب بزهکاران حرفه‌ای هستند که به‌سرعت تبدیل به مجرمان به عادت شده‌اند (بوسار، ۱۳۷۵: ۱۰۲). این افراد در اثر طی فرایند خاصی مبادرت به ارتکاب جرم می‌ورزند. تقویت سازواره قوم‌پرستی و بیگانه‌ستیزی در جهت تقویت اتحاد و همبستگی گروه خودی زمینه‌ساز ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز ایشان است. در مرحله بعد، مرتکبین با استفاده از فنون خنثی‌سازی به توجیه رفتارهای خود می‌پردازند و از طریق مکانیزم‌های دفاعی سلامت روانی سعی می‌کنند که رفتار خود را عقلانی و موجه جلوه دهند. غیرانسان‌انگاری قربانی، مقصرانگاری، معاندانگاری و توجیه با تمسک جهان‌بینی عفو و آمرزش اهم مکانیزم‌های روانی هستند که از طریق اغفال روانی با توجیه جرم، به کار بسته می‌شوند (حاجی ده‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۶-۶۵).

یک مجرم بین‌المللی پیش از آن که در محاکمات حضور یابد در دادگاه عقاید عمومی محاکمه می‌شود و از این منظر موجودی شریر تلقی می‌شود. این تصور بر نحوه رفتار با وی در طول محاکمه تأثیرگذار است و شرایط چنان پیش می‌رود که حتی تفاسیر از قوانین به‌نحوی انجام شود که ممکن است به ضرر متهم باشد (Kochhar & Hieramente, 2016: 234).

بدین ترتیب می‌توان چنین ادعا نمود که شدت جرایم ارتكابی توسط بزهکار تمایل عمومی نسبت به رسمیت‌شناختن اراده او را به‌شدت کاهش می‌دهد و این امر مانع از آن است که اراده بزهکار در تعیین سرنوشت پرونده دخیل باشد، اما باید توجه داشت که راهبرد حقوق کیفری قراردادی شده به‌دنبال نفی مسؤولیت بزهکار و اعطای امتیاز به وی نیست. در این روش مقام قضایی و بزهکار در مراحل مختلف فرایند کیفری با همکاری اراده یکدیگر نسبت به تعیین سرنوشت دعوای

حقوق کیفری داخلی در عرصه بین‌المللی کاربرد نداشته باشد (Rauxloh, 2011).

هرچند که قراردادی کردن تنها منحصر به خلاف‌ها و جنبه‌های کوچک است و عدالت کیفری برای جرایم مهم احتمیلی است (آلت مئس، ۱۳۸۵: ۱۶۸) و تنها وجوه خاصی از حقوق کیفری قراردادی شده در جرایم تحت صلاحیت دیوان قابل پذیرش است که با طبع جرایم بین‌المللی متناسب باشد، زیرا طبع جرایم بین‌المللی با جرایم دیگر متفاوت است و این تفاوت اقتضائات خاصی را در رسیدگی و محاکمه به همراه داشته و عواملی چند نظیر سیاست، قدرت نظامی و اخلاق جامعه جهانی را در محاکمات دخیل می‌کند (Kochhar & Hieramente, 2016: 234).

دیوان محدودیت‌های محاکم کیفری سابق را ندارد، اما همواره با این چالش روبه‌رو است که چگونه میان دستیابی به عدالت و ایفای نقش کارآمد تعادل برقرار کند. وسعت جغرافیایی و ماهیت شدید جرایمی که دیوان با آن سروکار دارد، این نتیجه را به‌دنبال دارد که تحقیق و بررسی درخصوص جرایم دامنه بسیار گسترده‌ای را درگیرد (Karen, 2016: 90).

این جرایم اغلب در شرایط جنگ و بی‌ثباتی در کشورها ارتکاب می‌یابد و به همین دلیل در بسیاری از موارد به سختی اثبات می‌شوند، به‌علاوه آن که رسیدگی به جرم در مکانی غیر از محل ارتکاب و گذر زمان کسب ادله و تحقق عدالت را دچار مشکل می‌نماید (حصار پولادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۵-۱۱۶). موانع اقتصادی، انسانی و جغرافیایی بی‌شماری پیش روی تحقیق و بررسی جنایات بین‌المللی است. جرایم بین‌المللی در طول چندین سال ارتکاب یافته و دامنه آسیب گسترده‌تری را درگیر می‌کند، در نتیجه شهود بیشتری نیز درخصوص آن وجود دارد. با احتساب این موارد است که پژوهشگران چانه‌زنی قضایی را راهکاری برای کاهش فرایند پرهزینه و طولانی رسیدگی به‌شمار می‌آورند، به‌علاوه آن که شواهد قابل ارائه در محاکمات بین‌المللی دارای محدودیت نیز می‌باشند و پذیرش معامله اِتهامی در جرایم شدیدی، چون نسل‌زدایی به‌صورت ضمنی حکایت از آن دارد که ادله

دیوان را به راحتی می‌پذیرد، به علاوه آن که این روش امکان محکومیت بدون دردسر را فراهم می‌آورد (Rauxloh, 2011).

۳-۲- نقض بنیادین حقوق بزهکار

ابهام دیگری که درخصوص اعمال راهبرد حقوق کیفری قراردادی شده وجود دارد، عبارت از نقض حقوق بنیادین بزهکار است. توضیح بیشتر آن که حقوق بشر متضمن حدود و مقرراتی است که در فرایند اعمال ضمانت اجرای کیفری لازم‌الرعایه است (دلماس مارتی، ۱۳۸۱: ۴۴). در جایی که احقاق حقوق بشر یکی از اهداف محاکمات کیفری بین‌المللی معرفی می‌شود؛ به سادگی نمی‌توان از کنار حقوق متهم رد شد. حقوقی چون بهره‌مندی از محاکمه عادلانه، حق شنیده شدن جمعی، عدم اجبار به اقرار و مهم‌تر از همه این‌ها حق این که بی‌گناه شناخته شود.

برخی اندیشمندان پذیرش راهبرد حقوق کیفری قراردادی شده در مرحله اثبات اتهام را ناقض حقوق یادشده می‌دانند و بر این باورند که با اجتناب از محاکمه متهم همه این حقوق را از دست می‌دهد، به علاوه آن که مقررات دیوان چنان طراحی شده که فرد را با این مخاطره روبه‌رو می‌سازد که در ازای پذیرش اتهام از مزیتی بهره‌مند نشود و پیشنهاد دادستان مبنی بر تخفیف و ... مورد توجه قضات قرار نگیرد، زیرا پیشنهاد دادستان الزام‌آور نیست، در نتیجه این ترس همواره برای متهم وجود دارد که دادگاه شرایط او را مبتنی بر پشیمانی کامل نبیند و وی را مستحق تخفیف نشناسد (Rauxloh, 2011).

طبع ویژه جرایم تحت صلاحیت دیوان و تمایل عمومی نسبت به سرکوب کردن آن، منجر به آن شده که دیوان در پذیرش راهبرد حقوق کیفری قراردادی شده با احتیاط رفتار کند و در معدود موارد پیش‌بینی شده نیز قاضی را ملزم به آن نمی‌سازد که توافق را بی‌چون و چرا به رسمیت بشناسد. در هر صورت مجرم باید از این وضعیت آگاه باشد، زیرا پذیرش مجرم یکی از ارکان مهم این توافق است و برای تضمین صحت رضایت اعلام‌شده این ضرورت وجود دارد که اطلاعات لازم در مورد کیفیت قبول تدابیر پیشنهادی و آثار

کیفری تصمیم‌گیری می‌نمایند (بوریگان، ۱۳۸۶: ۳۲۱). این امر آثار مثبتی را نیز با خود به همراه خواهد داشت.

در روش سنتی، بزهکار تنها موضوع کیفر تلقی می‌شود به اظهار نظر وی توجهی نمی‌شود و مقام قضایی با تحمیل اراده‌اش به تعیین مجازات مباردت می‌ورزد (نیازپور، ۱۳۹۰: ۵۰)، حال آن که حقوق کیفری قراردادی شده نرمش بیشتری به خرج داده و قاضی را در موقعیتی قرار می‌دهد که به جای موضع آمرانه، در روبه‌روی متهم بایستد و کرامت انسانی بزهکار مورد توجه قرار می‌گیرد (شامبیاتی و پروینی، ۱۳۹۳: ۳).

برخی نهاد قراردادی شدن را با معامله اتهامی آمریکایی تشبیه کرده‌اند که قبول مجرمیت امکان مذاکره در مورد اتهامات و کیفر را ایجاد می‌کند (آلت مئس، ۱۳۸۵: ۱۶۸). ارتکاب جرم در اثر شاخص‌های اقتصادی یا سیاسی و جنبه‌های اجتماعی قدرت یا عوامل روان‌شناسانه و اجتماعی و اندیشه عقلانی بودن انتخاب جرم، مانعی بر سر راه پذیرش معامله اتهامی است، اما پذیرش اراده آزاد مجرم نتایج دیگری را نیز به دنبال دارد و آن عبارت از به رسمیت شناختن اختیار انسان است. بر این مبنا تلاقی اراده دادستان و متهم امکان‌پذیر است و هریک از طرفین برای تحصیل منافی به توافق دست می‌یابد. دادستان با صرف کمترین امکانات به بیشترین میزان از بازدارندگی می‌رسد و در مقابل متهم محکومیت، مجازات و اتهامات کمتری را متحمل می‌شود، به علاوه آن که این اقدام به عنوان اقدامی نمادین و معناگرا تلقی می‌شود (Sungi, 2015: 21-22).

همان‌گونه که پیش از این نیز بیان شد، مجرمین جنایات بین‌المللی به توجیه جنایات خود می‌پردازند، نهادهای بین‌المللی رسیدگی‌کننده به جرم را مشروع نمی‌دانند یا آن که برای دستیابی به منافع خاص این جرایم مباردت به ارتکاب جرم می‌کنند (Dietrich, 2014: 22-23; Riley, 2012: 98). قراردادی شدن حقوق کیفری و تمایل متهم به همکاری با دیوان موجبی برای تأیید مشروعیت اقدامات دیوان است و بزهکار با ابراز پشیمانی و پذیرش مسؤلیت درحقیقت در برابر دیوان سر تعظیم فرود آورده و مجازات تحمیل‌شده توسط

اتهام کارآمدی بیشتری را نسبت به اثبات اتهام دارد و حتی زمینه عدالت ترمیمی و پاسخگویی به نیازهای بزه‌دیده را فراهم می‌سازد (Karen, 2016: 47).

به‌علاوه آن که برخی بر این باورند که مشاهده فرایند محاکمه و اثبات جرم برای برخی از بزه‌دیدگان آزاردهنده است (کرایر و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۱/۱)، سفر و حضور در یک کشور بیگانه جهت ادای شهادت، بیان ماوقع در مقابل مجرمان و نگرانی از انتقام ایشان اضطراب شدیدی را به‌همراه داشته و بدین ترتیب می‌توان چنین ادعا نمود که معامله اتهام (به‌عنوان یکی از وجوه حقوق کیفری قراردادی شده) تسهیلاتی را برای شهود و بزه‌دیدگان به‌دنبال دارد، البته برخی از بزه‌دیدگان خواهان استفاده از این حق قانونی هستند، لیکن بررسی فرایند رسیدگی محاکم بین‌المللی از این حقیقت پرده برمی‌دارد که این خواسته به تمام و کمال محقق نمی‌شود. بیان جملات کوتاه و پاسخ به چند سؤال تنها فرصتی است که در اختیار این افراد قرار دارد و این پاسخگویی نیازهای ایشان نیست، البته کسب نظر بزه‌دیدگان در چانه‌زنی قضایی به عدالت نزدیک‌تر است که در اساسنامه‌ها مورد پیش‌بینی قرار نگرفته است (Karen, 2016: 49).

۳- جلوه‌های حقوق کیفری قراردادی شده در دیوان

تبعی در اساسنامه رم و مقررات آیین دادرسی و ادله، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که برخی راهکارهای حقوق کیفری قراردادی شده در رسیدگی‌های دیوان نیز به کار بسته می‌شود، مادامی که که منجر به نقض اصول و اهداف محاکمات کیفری بین‌المللی نگردد. ذکر این نکته در بدو امر لازم است که اساسنامه دیوان راهکارهای کنارگذار تعقیب دعوای کیفری را در مواردی چند به رسمیت شناخته است. پذیرش قاعده متناسب‌بودن تعقیب و امکان تعویق اقدامات تعقیبی یا تحقیقی در اساسنامه دیوان، از جمله این موارد است، اما این قابلیت وجود ندارد که در راستای ترویج حقوق کیفری قراردادی شده از این ظرفیت استفاده نمود. آنچه در ادامه می‌آید جلوه‌هایی از اقدامات قانونی است که از قوانین و مقررات دیوان استنباط شده و با حقوق کیفری قراردادی شده قرابت دارد.

قضایی ناشی از آن در اختیار مجرم قرار گیرد (آلت مئس، ۱۳۸۵: ۱۷۶)؛ آنچنان که ماده ۶۵ اساسنامه شرط پذیرش معامله اتهامی را آگاهی متهم از ماهیت حقوقی یاد شده و عواقب آن و مشورت با وکیل معرفی کرده است.

۴-۲- مغایرت با حقوق بزه‌دیده

هرچند که حقوق کیفری قراردادی شده دربردارنده مزایایی چون هویت‌بخشی به بزهکاران، افزایش ضریب اصلاح و بازپروری، سرعت‌بخشی به فرایند کیفری و صرفه‌جویی در هزینه‌های نظام عدالت کیفری است، اما این سؤال نیز همواره وجود دارد که آیا در این روش حقوق و خواسته‌های بزه‌دیده مغفول واقع نمی‌شود؟ (نیازپور، ۱۳۹۰: ۶۵).

همان‌گونه که پیش از این نیز ذکر شد، جرایم تحت صلاحیت دیوان جرایم شدیدی هستند که در یک گستره وسیع ارتکاب یافته و قربانیان زیادی را گرفتار می‌سازد (رضوی‌فرد، ۱۳۹۲: ۱۱۹). این قربانیان با عمیق‌ترین آسیب‌های جسمی و روحی مواجه و نیازمند حمایت هستند. اذعان به بزه‌دیدگی، تقبیح بزهکار و تنبیه جانین و جبران خسارات ایشان مورد نیاز بزه دیدگان است (Bassiouni, 1996: 26). حال باید دید که پذیرش اراده بزهکار در تعیین پاسخ مناسب به جرم چه تأثیری بر قربانیان این جرایم و نیازهای ویژه ایشان دارد.

یکی از اهداف مهم تعقیب‌های کیفری بین‌المللی آن است که این احساس را به بزه‌دیده القا کند که عدالت محقق می‌شود و تسکینی برای آلام قربانیان جرم فراهم شود (کرایر و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۱/۱). تشخیص آثار و اعتراف به آسیب‌های ناشی از جرم و بذل نگرانی نسبت به آن در محاکمات بین‌المللی، نشان‌دهنده محکومیت این رفتارها در سطح جهان است و اعلام رسمی غیراخلاقی بودن جرم برای قربانیان اهمیت زیادی دارد (Golash, 2010: 217-218).

به‌رسمیت‌شناختن اراده بزهکار در فرایند تعیین پاسخ کیفری نافی اراده بزه‌دیده و نیازمندی‌های وی نیست و حتی ظرفیت مناسبی برای توجه به نیازهای بزه‌دیدگان را فراهم می‌آورد. پاسخگونموندن بزهکار و ایجاد احساس مسؤولیت در وی نخستین گام در پاسخگویی به نیازهای بزه‌دیده است. پذیرش

۳-۱- معامله اتهامی

معامله اتهامی توافق میان دادستان و متهم است و در این فرایند، میان مقام تعقیب‌کننده جرم (دادستان) و متهم، قراردادی منعقد می‌شود که در آن با پذیرش مجرمیت توسط متهم، درخصوص اتهام یا مجازات، به وی ارفاق می‌شود (Hollander-Blumoff, 1997: 115).

در سیستم حقوق داخلی دادستان‌ها در عمل به همه متهمان پیشنهاد معامله نمی‌دهند. به‌عنوان نمونه مرتکبین جرایم شدید و متهمان سیاسی معمولاً چنین پیشنهادی را دریافت نمی‌کنند، در این شرایط دادستان برای رعایت احوال بزه‌دیده یا احترام به احساسات عمومی تمایلی به حصول توافق ندارد (Gifford, 1983: 44-45).

پذیرش یا عدم پذیرش معامله اتهامی توسط متهم نیز به عواملی چند، از قبیل فشار وارده از سوی دادستان و فشارهای غیرمستقیم دیگر (نظیر تأثیر پرونده بر خانواده یا ترس از مجازات شدید)، اجتناب از محاکمه سخت و طولانی، پشیمانی از جرم و شدت جرم بستگی دارد (Kramer, 2005: 9). در مجموع می‌توان گفت متهمین جرایم بین‌المللی غالباً تمایلی به قبول رسمی گناه ندارند. دلیل عدم پذیرش آن است که یا بی‌گناه هستند یا ترجیح می‌دهند که از فرصت اطلاع دادرسی بهره‌مند شوند و امیدوارند که دلایل اثبات جرم آن‌ها کافی نباشد، در نتیجه پذیرش اتهام پدیده نسبتاً نادری است، اما ضرورت تقلیل تعداد محاکمات و ساده‌تر کردن رسیدگی‌های طاقت‌فرسای بین‌المللی، تمایل روزافزونی را نسبت به این روش ایجاد کرده است (کسسه، ۱۳۸۷: ۴۹۲).

ماده ۶۵ اساسنامه رم معامله اتهامی را به رسمیت شناخته است. مواد اساسنامه دیوان نه دربردارنده اصطلاح اعتراف به جرم است و نه مشتمل بر مفهوم اقرار به جرم است که در حقوق نوشته کاربرد دارد، بلکه از اصطلاح پذیرش تقصیر استفاده شده و این خود شاهدهی است بر آن که نهاد مذکور در اساسنامه دیوان اوصاف منحصر به فرد خود را داراست (Petrig, 2008: 9-10).

آیین قبول رسمی جرم در آغاز محاکمه همان نتایج کامن‌لا را به‌دست نمی‌دهد، هرچند که در نظام حقوق عرفی آمریکا و انگلیس پذیرش معامله اتهامی توسط دادگاه الزامی نیست و تنها در فرض احراز عدالت و انصاف مورد پذیرش قرار می‌گیرد، اما درنهایت در نظام حقوق عرفی این عملکرد موجب کاهش جدی محاکمات کیفری می‌شود، اما در دیوان متهم بدون هیچ تضمینی نظیر کاهش مجازات و ... دست به اقرار می‌زند و دادگاه باید شرایط مقرر در ماده ۶۵ را احراز کند و تنها در این صورت است که می‌تواند به آن ترتیب اثر دهد (صابر، ۱۳۹۴: ۲۳۱).

قاضی در فرایند معامله اتهامی در دیوان نقش مؤثری دارد (Sungi, 2015: 26). بند ۵ این ماده اذعان داشته است که هرگونه توافق میان دادستان و متهم راجع به اصلاح اتهامات، اعتراف به مجرمیت و یا مجازاتی که قرار است اعمال شود، برای دیوان الزام‌آور نخواهد بود، بدین ترتیب مشخص می‌شود که چانه‌زنی قضایی میان دادستان و متهم به صراحت مورد پیش‌بینی قرار نگرفته و البته ممنوع نشده است.

بند ۴ ماده ۶۵ نیز دربردارنده این نکته است که هرگاه اجرای عدالت و به‌ویژه منافع قربانیان اقتضا نماید، شعبه بدوی از دادستان تقاضا می‌نماید که دستور تکمیل مدارک را صادر نموده یا این که دستور دهد رسیدگی عادی به پرونده جریان یابد. در این صورت شعبه بدوی اعتراف به مجرمیت را «کان لم یکن» تلقی می‌نماید.

در جریان محاکمه المهدی در دیوان متهم با دادستان وارد معامله شد و اتهام نابودسازی ۱۰ فقره از اموال تاریخی را پذیرفت و به‌علاوه حق تجدید نظرخواهی را از خود سلب نمود. دیوان هم پیشنهاد دادستان در اعمال مجازات را پذیرفت و متهم را به ۹ سال حبس محکوم نمود.

۳-۲- آزادی فرد تحت بازداشت

باوجود آن که حقوق بشر اقتضای آن را دارد که محدودیتی در حقوق و آزادی‌های فرد پیش از اثبات اتهام ایجاد نشود، لیکن دیوان به‌لحاظ شدت جرایم، لزوم حفظ شأن دادگاه در منظر

^۱- <https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/CourtRecords/0902ebd1803ec6ac.pdf>. p.10.

با وجود آن که اساسنامه دیوان این نهاد قانونی را به رسمیت شناخته، اما قضات دادگاه‌ها در اعمال تخفیف نسبت به بزهکار سخت‌گیر هستند. به‌عنوان نمونه وکلای توماس لوبانگودر دفاعیات خویش به جهات مخففه‌عده‌ای، از جمله همکاری متهم با دادگاه در طول محاکمه استناد کرده و پیشنهاد تخفیف مجازات را داده‌اند. با این وجود مرجع قضایی در عین آن که به رفتار احترام‌آمیز و همکاری وی در طول محاکمه اشاره داشته، اما به سی‌سال حبس حکم نموده و وی را مستحق تخفیف ندانسته است.

۳-۴- تعیین محل زندان

دیوان فاقد زندان است و برای اجرای مجازات‌ها متکی به دول عضو است. پس از صدور حکم مجازات یک مجرم، دیوان دولتی را که باید دوره مجازات در آنجا سپری شود، برمی‌گزیند (Schabas, 2007: 320). براساس ماده ۱۰۱ مجازات‌ها در سرزمین یک دولت اجرا می‌شوند. در ابتدا از دولت‌ها خواسته می‌شود که تمایل یا عدم تمایل و شروط خود در پذیرش محکوم‌علیه را ابراز کنند. دیوان در تعیین دولت مجری، عوامل مختلفی، چون دیدگاه‌های محکوم‌علیه و ملیت او را نیز در نظر می‌گیرد. پیش‌بینی این الزام در راستای این ایده است که بین اختیارات دیوان و حقوق اشخاص تطابق وجود داشته باشد (زاپالا، ۱۳۹۲: ۲۲۹-۲۲۸).

ماده ۱۰۳ اساسنامه دیوان مقرر می‌کند که دیوان باید در تعیین کشور مجری حکم نقطه نظرات و تابعیت محکوم‌علیه را لحاظ کند. قاعده ۲۰۳ نیز حق اظهار نظر شفاهی، مساعدت مترجم، زمان و تسهیلات کافی و ضروری برای ارائه دیدگاه‌هایش پیش‌بینی می‌کند.

ماده ۱۰۴ نیز از تغییر کشور مجری حکم سخن می‌گوید و براساس قاعده ۲۱۰ نیز هیأت ریسه می‌تواند قبل از تصمیم در تغییر کشور مجری حکم نظرات کتبی و شفاهی محکوم‌علیه را بررسی نماید و در این مسیر مقررات ماده ۲۰۳ درخصوص مساعدت بزهکار را اعمال نماید.

عموم مردم به‌ویژه قربانیان و فقدان قوه قهریه تا حد امکان از آزادی فرد پیش از محاکمه اجتناب می‌کند، مگر آن که ضرورتی دیگر در میان باشد، البته در جایی که فرد داوطلبانه خودش را جهت محاکمه تسلیم کرده باشد، تداوم آزادی فرد تا پیش از محاکمه ارجحیت دارد (Schabas, 2007: 270-271).

بدین ترتیب رفتار متهم در اخذ تصمیم آزادی مشروط وی تا پیش از محاکمه تأثیرگذار است، مضاف بر آن که در موارد ضروری، حصول توافق متهم با مقام قضایی و برعهده‌گرفتن برخی تعهدات پیش‌شروط صدور دستور آزادی وی است. قاعده ۱۱۹ آیین دادرسی و ادله با تمهید شروطی، چون ممنوعیت مسافرت و برقراری ارتباط با برخی افراد و ... تصریح می‌کند که اخذ نقطه نظرات شخص متهم برای صدور دستور آزادی وی ضروری است. در این صورت بزهکار بین‌المللی به‌عنوان کنش‌گر غیررسمی نقش به‌سزایی در اتخاذ تصمیم و اجرای راهبرد قراردادی شدن حقوق کیفری دارد، به‌گونه‌ای که اگر همکاری، پذیرش تعهد و پایبندی به آن موجود نبود، اسباب شکل‌گرفتن راهبرد یادشده نیز فراهم نمی‌گردید و در نتیجه بعد تحمیلی عدالت کیفری غلبه می‌یافت (نیازپور، ۱۳۹۲: ۱۰۹)، وی همچنان در بازداشت نگهداری می‌شد.

۳-۳- تخفیف مجازات

پیش‌بینی کیفیات مخففه‌ابزاری برای فردی کردن مجازات به‌حساب می‌آید و این امکان را برای قاضی فراهم می‌کند که در گزینش واکنش عادلانه افکار عمومی را نیز مد نظر قرار دهد (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۱۴۵/۳-۱۴۴). با این وجود، شدت جنایات بین‌المللی و لزوم تسریع در پاسخ کیفری مناسب به جنایات بین‌المللی، بهره‌مندی از کیفیات مخففه را دچار تردید می‌نماید. دیوان در اقدامی ابتکاری به‌نحو حداقلی این کیفیات را مورد پذیرش قرار داده است. اظهار پشیمانی و رفتار شخص محکوم‌علیه بعد از افعال ارتكابی و تلاش‌های او برای جبران خسارت بزه‌دیدگان و رفتار توأم با همکاری با دیوان (ماده ۷۸ اساسنامه و قاعده ۱۴۵ آیین دادرسی و ادله) از کیفیات مخففه‌ای است که در دیوان به رسمیت شناخته شده (رضوی‌فرد، ۱۳۹۵: ۹)، حکایت از توافق ضمنی میان قاضی و بزهکار دارد.

¹- https://www.icc-cpi.int/CourtRecords/CR2008_03752.PDF. p.33-35.

۶-۳- آزادی پیش از موعد

همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، حصول توافق در مراحل مختلف رسیدگی قابل تصور است و این راهبرد حتی در مرحله اجرا نیز کاربرد دارد (آلت مئس، ۱۳۸۵: ۱۶۷). آزادی مشروط فرد بزهکار یکی از بارزترین مصادیق حقوق کیفری قراردادی شده است. در دیدگاه جامع حقوق کیفری در این فرایند محکوم‌علیه در ازای برعهده‌گرفتن تعهداتی آزادی موقت خود را بازمی‌یابد و در صورت پایبندی به دستورات تعیین شده با آزادی قطعی روبه‌رو می‌شود (نوربها، ۱۳۸۳: ۴۲).

اساسنامه دیوان نیز آزادی پیش از موعد محکوم‌علیه را به رسمیت می‌شناسد. باید توجه داشت که اطلاق عنوان آزادی مشروط بر این فرایند صحیح نیست، زیرا برخلاف حقوق داخلی، آزادی فرد مشروط به رعایت دستورات دادگاه در آینده نیست و این تصمیم دادگاه قطعی تلقی می‌شود (Schabas, 2007: 317).

توضیح بیشتر آن که دیوان این اختیار را دارد که پس از گذران مدتی از مجازات حبس با توجه به شرایط و اوضاع و احوال محکوم‌علیه، مدت زمان حبس را کاهش دهد. ماده ۱۱۰ اساسنامه مقرر کرده است با گذشتن دوسوم دوره محکومیت یا ۲۵ سال حبس در فرض حبس ابد، دیوان مجازات را مجدداً بررسی می‌کند و در صورت احراز همکاری مستمر بزهکار با دیوان در انجام تعقیب و تحقیق، تسهیل اجرای تصمیمات دیوان و از جمله مساعدت در شناسایی اموال و واریز جریمه و خسارت و ... مدت زمان حبس را کاهش می‌دهد. قواعد ۲۲۳ و ۲۲۴ معیار بررسی تخفیف مجازات و تشریفات آن را پیش‌بینی کرده، ادعان می‌دارد که سه قاضی منصوب شعبه استیناف عموماً مسأله تخفیف مجازات را هر سه سال یک‌بار مورد بررسی قرار می‌دهند.

هرچند که عدم تحمیل تعهد به بزهکار بین‌المللی جنبه توافقی بودن راهکار یادشده را تضعیف می‌کند، اما نباید فراموش کرد که پیش‌شرط صدور دستور آزادی پیش از موعد، احراز همکاری سابق بزهکار با دیوان است.

توجه به نقطه نظرات محکوم‌علیه درخصوص کشور محل اجرای حکم به‌مثابه یکی از جلوه‌های ضعیف حقوق کیفری قراردادی شده است که باتوجه به امکانات حداقلی محاکمات کیفری بین‌المللی قابل توجیه است. همین‌طور که پیش از این نیز بیان شد، اوصاف ویژه این جنایات و اصول حاکم بر محاکمات دیوان قلمرو توافق قاضی و بزهکار را ترسیم می‌کند. بررسی رویه قضایی دیوان نیز حکایت از آن دارد که این فرایند در عمل نیز اجرا می‌شود و به‌عنوان نمونه جهت اجرای حبس **توماس لوبانگو و جرمن کاتانگا** پس از مشورت با ایشان کشور کنگو برای گذران حبس انتخاب شده است.

۳-۵- انتقال بزهکار

همان‌گونه که پیش از این نیز بیان شد، راهبرد قراردادی شدن حقوق کیفری با دوسویه‌کردن فرایند کیفری و برابرسازی اراده کنشگران، توافق میان ایشان را در زمینه نوع و ماهیت پاسخ‌های عدالت کیفری به رسمیت می‌شناسد و رضایت بزهکار برای گزینش و اجرای برخی پاسخ‌ها به رسمیت شناخته می‌شود (نیازپور، ۱۳۹۰: ۶۲).

ظرفیت اندک محاکمات کیفری بین‌المللی امکانات قاضی را در حصول توافق با بزهکار محدود می‌سازد. یکی از این موارد اخذ نظر بزهکار درخصوص انتقال وی است؛ با این وصف اراده بزهکار در تعیین سرنوشت پرونده دخیل نیست و تنها در مورد جزئی محل انتقال به درخواست وی توجه می‌شود.

مطابق ماده ۱۰۷ اساسنامه تمایل محکوم‌علیه در انتقال پس از به پایان‌رساندن دوره محکومیت در نظر گرفته می‌شود، آنچنان‌که در قاعده ۱۸۵ نیز در تعیین محل انتقال فرد متعاقب آزادی پیش از اتمام دوره محکومیت دیدگاه‌های فرد مد نظر قرار می‌گیرد. ماده ۹۳ اساسنامه دادگاه می‌تواند انتقال موقت شخص بازداشت‌شده را برای مقاصد تعیین هویت یا اخذ شهادت یا ارائه کمک‌های دیگر درخواست نماید و یکی از شروط لازم برای این انتقال رضایت آزادانه و آگاهانه شخص درخصوص انتقال است.

¹ - <http://www.icicl.org/details.asp?id=365>.

نتیجه‌گیری

حقوق کیفری قراردادی شده با افزایش ضریب اصلاح و بازپروری، پاسخگونم‌ودن بزهکار در برابر بزه‌دیده، سرعت‌بخشی به فرایند کیفری و صرفه‌جویی در هزینه‌های نظام عدالت کیفری کارآمدی بیشتری را نسبت به روش‌های سنتی رسیدگی به جرایم دارد. با این وجود، طبع جنایات بین‌المللی و محاکمات چنان است که نمی‌توان از گسترش بی‌چون و چرای این راهبرد در دیوان سخن گفت. قلمروی پذیرش راهبرد توافق قاضی و بزهکار مقید به اهداف محاکمات دیوان است. حکومت اندیشه سزاگرا در برخورد با بزهکاران بین‌المللی، لزوم تحقق کارکرد بازدارندگی، مبارزه با بی‌کیفرمانی منجر به آن می‌شود که راهکارهای کنارگذار تعقیب و مجازات مبتنی بر حصول توافق قاضی و بزهکار در عملکرد دیوان جایی نداشته و سایر راهکارها، از قبیل کاستن از مجازات مشروعیت داشته باشد، بدین ترتیب چالش‌هایی نظیر مغایرت‌داشتن با شدت جنایات و اوصاف بزهکار مرتفع می‌شود و با ترویج صلح و سازش در جوامع زمینه توجه به نیازهای بزه‌دیده همچون بیان حقیقت، مشارکت در رسیدگی و ترمیم خسارات ناشی از جرم نیز فراهم می‌شود.

بررسی راهکارهای مندرج در اساسنامه و آیین دادرسی و ادله دیوان پرده از این حقیقت برمی‌دارد که توافق قولی و فعلی بزهکار پیش‌شرط صدور برخی دستورات است. معامله اتهام، آزادی مشروط فرد تحت بازداشت، تخفیف مجازات، تعیین محل زندان و آزادی پیش از موعد جلوه‌های رسوخ راهکارهای حقوق کیفری قراردادی شده در دیوان هستند که در اندک پرونده‌های موجود در دیوان نیز به چشم می‌خورند، اما باید توجه داشت که اراده بزهکار دخالت‌چندانی در تعیین سرنوشت پرونده ندارد و تنها منحصر به موارد جزئی، از قبیل محل اجرای حکم و انتقال و ... بوده و در باقی موارد نیز امتیاز از پیش تعیین‌شده‌ای به بزهکار داده نشده و تضمینی وجود ندارد.

درنهایت باید چنین نتیجه‌گیری نمود که امکانات دیوان در به رسمیت‌شناختن توافق میان بزهکار و مرجع قضایی محدود است و با نظر به اصل صلاحیت تکمیلی این امکان برای

کشورها وجود دارد که با به‌کارستن راهبرد یادشده در محاکم ملی به رسیدگی به جرایم بین‌المللی بپردازند، البته مشروط بر آن‌که به دور از فضای سیاسی عادلانه‌ترین راهکارها در هر پرونده گزینش شود. این امر نیز محتمل است که با گذر زمان و افزایش احکام صادره از دیوان رویکرد سهل‌گیرانه‌تری نسبت به این موضوع اتخاذ شود و اصلاح قوانین و مقررات دیوان این امکانات را توسعه بخشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت انفرادی انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴). *حقوق جزای عمومی*. جلد سوم، چاپ ششم، تهران: انتشارات میزان.
- آلت مئس، فرانسواز (۱۳۸۵). «قراردادی‌کردن حقوق کیفری: افسانه یا واقعیت؟». ترجمه رضا فرج‌اللهی، *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۰(۵۴): ۱۸۸-۱۶۵.
- بوریکان، ژاک (۱۳۸۶). «پدیده قراردادی‌سازی آیین دادرسی کیفری». ترجمه علی خالقی، *دو فصلنامه علوم جنایی*، ۲: ۱۱۵-۱۴۴.
- بوسار، آندره (۱۳۷۵). *بزهکاری بین‌المللی*. ترجمه نگار رخشانی، تهران: انتشارات گنج دانش.

- جعفری، فریدون (۱۳۹۲). «ارزیابی چالش‌های نظری و فلسفی دیوان کیفری بین‌المللی». *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی‌شدن)*، ۱۱(۱): ۷۳-۱۰۸.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ شمس‌ناتری، محمد ابراهیم و گل‌خندان، سمیرا (۱۳۹۵). «مطالعه جرم‌شناختی ساختار روانی مرتکبین جرایم علیه بشریت». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۱۵(۱): ۴۸-۶۸.
- حصار پولادی، فاطمه؛ سبحانی، مهین و جانی‌پور، مجتبی (۱۳۹۶). «بررسی شرایط و آثار معامله اتهام در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی». *فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۴(۱): ۹۱-۱۱۸.
- دلماس مارتی، میری (۱۳۸۱). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، تهران: انتشارات میزان.
- رحمانیان، حامد و پیری، حیدر (۱۳۹۲). «بررسی کیفرشناختی جنایات بین‌المللی». *مجله مطالعات حقوقی*، ۲(۲): ۲۵-۵۸.
- رضوی‌فرد، بهزاد (۱۳۸۷). *دورنمای کیفرهای بین‌المللی در تعامل میان حقوق بین‌المللی کیفری و حقوق کیفری بین‌المللی*. به کوشش علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تازه‌های علوم جنایی، تهران: انتشارات میزان.
- رضوی‌فرد، بهزاد (۱۳۹۰). «از کارکردهای سنتی کیفر در حقوق داخلی تا کارکردهای نوین آن در حقوق بین‌الملل کیفری با تأکید بر رویه قضایی». *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۶(۲۱): ۹-۳۸.
- رضوی‌فرد، بهزاد (۱۳۹۰). «جایگاه ترمیم خسارت‌های وارده به بزه‌دیدگان جنایات بین‌المللی: از حقوق بین‌الملل عمومی تا حقوق بین‌الملل کیفری». *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۴(۵۵): ۱۱۵-۱۳۳.
- رضوی‌فرد، بهزاد (۱۳۹۲). *حقوق کیفری بین‌المللی عمومی (مسئولیت کیفری - کیفر)*. جلد اول، تهران: انتشارات میزان.
- رضوی‌فرد، بهزاد (۱۳۹۵). «کیفیات مخفیه کیفر در اسناد و آراء محاکم کیفری بین‌المللی». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۴(۱۴): ۳۴-۹.
- رهگشا، امیرحسین (۱۳۹۳). *رابطه حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی با شورای امنیت سازمان ملل متحد*. تهران: انتشارات مجد.
- زاپالا، سالواتور (۱۳۹۲). *حقوق بشر در محاکمات کیفری بین‌المللی*. ترجمه حسین آقایی جنت‌مکان، چاپ دوم، تهران: جنگل جاودانه.
- زحمتکش، امین؛ جانی‌پور، مجتبی و سبحانی، مهین (۱۳۹۴). «رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی به عفو جرایم بین‌المللی از منظر قاعده منع محاکمه مجدد». *فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۲(۱۰): ۱۰۵-۱۳۴.
- سبحانی، مهین (۱۳۹۳). «بازدارندگی حقوق بین‌الملل کیفری و تأثیر آن در جوامع انتقالی». *فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۱(۱): ۱۴۳-۱۱۹.
- شامبیاتی، هوشنگ و پروینی، علی (۱۳۹۳). «تخصصی‌کردن ضابطین گامی به سوی حقوق کیفری قراردادی». *مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ۲۵: ۱-۱۳.
- شامبیاتی، هوشنگ و پروینی، علی (۱۳۹۴). «کارکرد عدالت توافقی در سیاست جنایی». *مجله پزشکی قانونی ایران*، ۲۱(۲): ۱۴۵-۱۳۹.
- صابر، محمود (۱۳۹۴). *آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی*. چاپ دوم، تهران: تمن دادگستر.
- غلامی، حسین و رستمی‌غازانی، امید (۱۳۹۲). «زمینه‌های عدالت ترمیمی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۲(۴): ۳۳-۶۴.
- غنی‌زاده، عباس (۱۳۸۵). «چانه‌زنی قضایی؛ رویکردی ترمیمی». *فصلنامه گفت‌مان حقوقی*، ۱۱-۱۰: ۷-۱۶.
- کرایر، رابرت؛ فریمن، هاگان؛ رابینسون، داریل و ویلمز هورست، الیزابت (۱۳۹۳). *درآمدی بر حقوق و آیین دادرسی*

- Dietrich, J (2014). "The Limited Prospects of Deterrence by the International Criminal Court: Lessons from Domestic Experience". *International Social Science Review*, 88(3): 1-29.
- Francis, L & Francis, J (2010). "International Criminal Courts, the Rule of Law and the Prevention of Harm: Building Justice in Times of Injustice". *International Criminal Law and Philosophy*, 58-71.
- Gifford, DG (1983). "Meaningful Reform of plea Bargaining: The Control of Prosecutorial Discretion". *U Ill L Rev*, 37.
- Golash, D (2010). *The Justification of Punishment in the International Context*. Edited by May L, Hoskins Z. In: *International Criminal Law and Philosophy*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hollander-Blumoff, R (1997). "Getting to Guilty: Plea Bargaining as Negotiation". *Harvard Negotiation Law Review*, 2: 115.
- Jo, H & Simmons, BA (2016). "Can the International Criminal Court Deter Atrocity?". *International Organization*, 70(3): 443-475.
- Karen, N (2016). *Plea Bargaining in International Criminal Court: Dealing with the Devil*. Glasgow: University of Glasgow.
- Kochhar, S & Hieramente, M (2016). "Of Fallen Demons: Reflections on the International Criminal Court's Defendant". *Leiden Journal of International Law*, 29(1): 223-244.
- Köchler, H (2003). *Global Justice or Global Revenge? International Criminal Justice at the Crossroads. Philosophical Reflections on the Principles of the International Legal Order Published on the Occasion of the Thirtieth Anniversary of the Foundation of the International Progress Organization*. New York: Springer Science.
- Kramer, GM (2006). *Plea Bargaining Recommendations by Criminal Defense Attorneys: Legal, Psychological and Substance Abuse Rehabilitative Influences*. Philadelphia: Drexel University.
- *بین‌المللی کیفری*. ترجمه حسین فخر و داود کوهی، جلد اول، تهران: انتشارات مجد.
- کریر، رابرت و دی‌وایت، نیجل (۱۳۸۴). «شورای امنیت و دادگاه کیفری بین‌المللی». ترجمه فرید محسنی و علی قاسمی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، ۳۴-۳۵: ۷۴-۱۱۳.
- کسسه، آنتونیو (۱۳۸۷). *حقوق کیفری بین‌المللی*. ترجمه حسین پیران، اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی، تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
- نوریها، رضا (۱۳۸۳). *نگاهی به قانون مجازات اسلامی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۰). «از حقوق کیفری تا حقوق کیفری قراردادی شده». فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۸(۱): ۴۹-۶۶.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۲). *توافق‌شدن آیین دادرسی کیفری*. چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- ب. منابع انگلیسی**
- Bassiouni, M (2003). "Justice and Peace: The Importance of Choosing Accountability over Realpolitik". *Case Western Reserve Journal of International Law*, 35(2): 191.
- Bassiouni, M (2006). "The Perennial Conflict between International Criminal Justice and Realpolitik". *Georgia State University Law Review*, 22(3): 541.
- Bassiouni, MC (1996). "Searching for Peace and Achieving Justice: The Need for Accountability". *Law and Contemporary Problems*, 59(4): 9-28.
- Buitelaar, T (2016). "The ICC and the Prevention of Atrocities: Criminological Perspectives". *Human Rights Review*, 17(3): 285-302.
- Clark, NJ (2011). "Peace, Justice and the International Criminal Court: Limitations and Possibilities". *Journal of International Criminal Justice*, 9(3): 521-545.

ج. قوانین

- اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری.
- آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی.

- Leonard, EK (2001). *International Relations Theory and the International Criminal Court: Understanding Global Justice*. Newark, New Jersey: University of Delaware.
- Meernik, J (2013). "Justice, Power and Peace: Conflicting Interests and the Apprehension of ICC Suspects". *International Criminal Law Review*, 13: 169-190.
- Mendez, JE (1997). "Accountability for Past Abuses". *Human Rights Quarterly*, 19(2): 255-282.
- Petrig, A (2008). "Negotiated Justice and the Goals of International Criminal Tribunals". *Chicago-Kent Journal of International and Comparative Law*, 8: 1-31.
- Rauxloh, RE (2011). "Plea Bargaining in International Criminal Justice-Can the International Criminal Court Afford to Avoid Trials?". *The Journal of Criminal Justice Research*, 1-20.
- Riley, C (2012). *In the Pursuit of Accountability are There more Appropriate Mechanisms than Prosecutions?*. Sheffield: Sheffield Hallam University.
- Schabas, WA (2007). *An Introduction to the International Criminal Court*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Schiff, BN (2008). *Building the International Criminal Court*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Sungi, S (2015). "Is it Pragmatism or an Injustice to Victims? The Use of Plea Bargaining in the International Criminal Court". *Journal of Theoretical and Philosophical Criminology*, 7(2): 21-33.

ج. سایت اینترنتی

- <http://www.icicl.org/details.asp?id=365>.
- https://www.icc-cpi.int/CourtRecords/CR2008_03752.PDF.
- <https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/CourtRecords/0902ebd1803ec6ac.pdf>.